

## سه گام برای بهبود روابط تهران-باکو

روابط ایران و آذربایجان در سطوح مختلفی قابل بررسی است

عادل/خبرگزاری آران

سه گام برای بهبود روابط تهران-باکو

نویسنده: مهدی سنایی\*

روابط ایران و آذربایجان در سطوح مختلفی قابل بررسی است. هم در سطح بین المللی و هم در سطح دوجانبه. اما روابط دوجانبه فی مابین ایران و آذربایجان هم از ابعاد و زوایای مختلفی قابل کنکاش و بررسی است. اگر چند اولویت در سیاست خارجی ایران وجود داشته باشد یکی از آنها جمهوری آذربایجان است چرا که آذربایجان همه فاکتورهای لازم را برای به دست آوردن جایگاهی مناسب در سیاست خارجی ایران دارد. این کشوری همسایه ایران به شمار می رود. کشور است که مشترکات فراوان تاریخی، فرهنگی، دینی و آیینی با ایران دارد. این کشور پس از ایران بیشترین تعداد شیعیان را در خود جای داده است و این به شکل های مختلف دو کشور را به هم پیوند می دهد.

از سوی دیگر این کشور در منطقه قفقاز واقع شده است که نه تنها برای ایران که برای هر قدرت منطقه بی و جهانی حائز اهمیت است. زمینه های ترانزیتی و مبادلات تجاری و اقتصادی میان ایران و آذربایجان وجود دارد. بنابراین آذربایجان جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. در عین حال به دلایل برخی تفاوت های سیاسی، اختلاف نظرهایی میان دو کشوری که پیوندهای بسیاری با هم دارند، متولد شده که شکنندگی های خاصی را می تواند به روابط طرفین تحمیل کند. اگرچه معتقدم هم آذربایجان جایگاه استراتژیک خود را در سیاست خارجی ایران حفظ خواهد کرد و هم اینکه آذربایجان ناگزیر از برقراری یک رابطه مناسب و همراه با صلح و ثبات با ایران است چرا که ایران همسایه بزرگ آذربایجان و همسایه بی است که برقراری رابطه خوب و داشتن حسن تفاهم برای دولت آذربایجان در هر دوره بی دریغ اهمیت است. به دشواری می توان تصور کرد که آذربایجان بتواند راه توسعه و پیشرفت خودش را بدون داشتن روابط صلح آمیز و دوستانه با ایران طی کند. البته دولت ایران هم خواستار پیشرفت آذربایجان است. اما شکنندگی روابط هم در موضوعات مختلفی جلوه می کند. برخی سوءتفاهمات، ناشی از مسائل مرزی و گمرکی است و انتظاراتی که دو کشور در دو سوی مرز ارس از یکدیگر دارند گاهی مناقشات لفظی بین طرفین را به دنبال داشته است. از دیگر سو پیوندهای عاطفی ای که بین آذری زبان های ما با مردم این کشور وجود دارد حساسیت های ویژه ای را به روابط فرهنگی دو کشور می دهد به نوعی که برگزاری برنامه یوروویژن، حساسیت برخی محافل دینی را در داخل ایران برانگیخت که به این مسائل باید با دقت نظر بیشتری نگریسته شود چرا که این دو کشوری که تا به این حد به یکدیگر نزدیک هستند برخی مسائل آنها به مردم و ان جی او ها برمی گردد و از طرف دولت های ایران و آذربایجان کاملاً قابل مدیریت نیست. اما برخی مشکلات هم از جانب عوامل بیرونی دامن زده می شود. آمریکا و اسرائیل تلاش دارند از برخی اختلاف نظرها و برخی عدم تفاهم هایی که بین ایران و آذربایجان وجود دارد، استفاده کنند و بر همین اساس تلاش دارند تا آذربایجان را به پایگاهی برای فشار بر ایران قرار دهند. با این رویکرد تمام تلاش شان را برای برهم زدن روابط بین ایران و آذربایجان عملیاتی کرده اند. انتشار اخباری مبنی بر انتقال عناصر سازمان منافقین به خاک آذربایجان و همکاری های نظامی رژیم صهیونیستی و آذربایجان همگی حکایت از تلاش اسرائیل و آمریکا برای ایجاد تنش بین دولت ایران و آذربایجان دارد. من گمان می کنم که دولت آذربایجان به خوبی آگاهی کامل را به داشتن روابط خوب و با ثبات با ایران حس کرده است و این واقعیت را درک می کند که هرگونه اعمال فشار خارجی به نفع ایران و آذربایجان نخواهد بود. به همین دلیل هم هرگاه اخباری مبنی بر استفاده ناتو، اسرائیل یا آمریکا از خاک آذربایجان برای مسائل نظامی منتشر می شود مقامات این کشور به سرعت این اخبار را تکذیب می کنند. از دیگر سو نباید رقابت های منطقه ای را هم نادیده گرفت. ایران قدرت منطقه ای قابل توجهی است و قفقاز هم از خلامنیت و فضای خالی پس از شوروی روبه روست. منازعاتی هم که بین آذربایجان و ارمنستان بر سر قره باغ، گرجستان و روسیه وجود دارد نماد و نمودی از مشکلاتی است که قفقاز نشین ها با آن روبه رو هستند و ایران با هر سه کشور روابط صمیمانه ای دارد که می تواند در تنظیم معادلات قفقاز نقش ممتازی را بازی کند. سه گام اساسی از طرف ایران و آذربایجان برای ثبات در روابط و حل مشکلات جزئی باید برداشته شود. ابتدا روابط دو کشور در حوزه مسائل اقتصادی و تجاری در حال حاضر در سطح مناسبی نیست و پتانسیل های موجود بین دو کشور با وجود گذشت دو دهه از استقلال آذربایجان همچنان آن گونه که باید باشد مورد استفاده قرار نگرفته است. آذربایجان می تواند یکی از شرکای اصلی تجاری ایران باشد. در مدت کوتاهی حجم مبادلات اقتصادی ایران و عراق به بیش از شش میلیارد دلار رسیده است در حالی که حجم مبادلات با آذربایجان بسیار کمتر از این عدد و رقم است. آذربایجان می تواند راه ورود ایران به قفقاز و دریای سیاه باشد. گام دومی که باید برداشته شود این است که دو کشور یک سیستمی برای به صفر رساندن تاثیر عامل سوم در روابط باید طراحی کنند. این وظیفه شاید بیشتر بر عهده آذربایجان باشد که البته جزو سیاست های مرحوم حیدر علی اف بود و هم اکنون هم الهام علی اف دنباله رو همان سیاست است که روابط تهران و باکو بدون تاثیر پذیری از روابط دو کشور با دیگر کشور ها رشد کند، اما همزمان با کاهش تاثیر پذیری روسیه و ترکیه، قدرت های فرامنطقه ای مانند آمریکا و اسرائیل و ناتو، در برخی مواقع مشاهده می شوند. باید تاثیر منفی عامل سوم را در روابط به صفر رساند و روابط دو کشور را گسترش داد. سومین گام که ایران باید داشته باشد این است که ایران برای مجموعه قفقاز یک طرح همکاری جدید باید طراحی و تدوین کند. این کار می تواند با همکاری ترکیه و روسیه هم صورت بگیرد. طرحی که پس از جنگ گرجستان با عنوان 3+3 داده شد، نتوانست عملیاتی شود و بدون پاسخ ماند اما شرایط وتحولات جدید اقتضا می کند که یک سیستم همکاری جدید در قفقاز تعریف شود که جایگاه با ارزشی برای آذربایجان هم در آن تعریف شود. نباید روابط ایران و آذربایجان تحت الشعاع مشکلات آذربایجان با دیگر کشورها قرار بگیرد و این تنها با طراحی یک سیستم نوین همکاری منطقه ای امکان پذیر است و با توجه به تهدیدات مشترکی که در درازمدت برای همه کشورهای منطقه وجود دارد، تدوین این سیستم امکان پذیر است. کشورهای منطقه یقیناً به این نتیجه رسیده اند که منافع بلندمدت آنها وابسته به همکاری های جدی بومی و منطقه ای است.

\*رئیس سابق گروه دوستی پارلمانی ایران و آذربایجان، رئیس موسسه مطالعات ایران و اوراسیا و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس